

دانش از نظر اسلام

علی مهاجرانی

(۳)



شد (۱) برای تشویق و ترغیب مسلمین به علم و دانش کافی است به آیه ۱۶ - از سوره آل عمران مراجعه نمود .

در وصایائی پیغمبر ص به ابی ذر غفاری میفرماید ای ابذر کسی که خارج شود از خانه خود را برای آنکه دری از علم و دانش رابروی خود بگشاید هر قدمی که برمیدارد پاداش میدهد خداوند او را پاداش انبیا و سفرای الهی ای ابذر بدان خداوند دانشمندان را دوست دارد مانند دوست داشتن انبیا .

در حالات سید رضی که مقام شامخ و ارجمندی در روحانیت و موقعیت علمی و ادبی داشت نوشته‌اند با شخصی مانند ابواسحق صابی که منشی خلیفه بود و در دستگاه عزالدوله دیلمی صاحب عنوان بود دوستی داشت و در هنگام مرگش قصیده‌ای گفت که معروف شد بقصیده دالیه وقتی به سید رضی اعتراض کردند که چرا برای یکنفر صابی یک بیگانه از اسلام بود مرثیه گفته‌ای فرمود (انارثیت فضله) یعنی مرثیه من برای فضل و دانش او است . در باره دانشمند معروف اسلامی محمد بن حسن طوسی مینویسند هر گاه بفهم مسئله از مسائل علمی موفق میشد فریاد میزد (این ابناء الملوك من هذه اللذنه) کجایند پسران سلاطین که درک این لذت را دریابند .

هیرون پادشاه صقلیه (سیسیل) مقداری طلا بزرگ ماهری داد که برای او تاجی بسازد زرگر خدمت را انحام داد و تاج را بحضور شاه آورد ولی شاه از زرگر بدگمان شد که شاید قدری از طلا دزدیده و هم وزن او فلز دیگری باو آمیخته باشد و نمی‌خواست تاج بشکند ولی میخواست راه حلی برای کشف موضوع از طریق علم پیدا کند لذا متوسل شد (بارشمیدس حکیم ریاضی‌دان معروف) - آن دانشمند مدتی در فکر بود اتفاقاً یکروز

نویسنده تاریخ علوم « پیرروسو » - می‌نویسد اسلام که در نتیجه فتوحات پی‌درپی خود تا سرازیریهای (پیرنه و قانوبی و هند) کشیده شده بود به دولت و باجلاکی، فرهنگ ممالک دست نشانده را پذیرفت گرچه در اسپانیا چیزی بدست نیاورد اما توانست دانش خود را نیز بانجا حمل کند . ولی از تماس با تمدن مصر و یونانسی و تمدن بزرگ ایران و بین‌النهرین فوائد بیشماری حاصل کرد و از روابط خود با هند نیز نتایج قابل ملاحظه‌ای بدست آورد .

چنانچه قبلاً اشاره کردیم محرك اصلی در مسلمین برای بدست آوردن علوم ، آزادی افراد مسلمین بود در فراگرفتن دانش زیرا پیشوای مسلمانان فرمود هر کجا علمی سراغ داشتید و از هر کسی که خواستید از مسلم و غیر مسلم فراگیرید حتی اگر سخن حقی را از بیگانه شنیدید بپذیرید .

سوره زمر آیه ۱۸ فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه الخ مژده بده بندگانی را که از آنچه میشنوند بهترین سخن را انتخاب مینمایند در اصول کافی است امام صادق ع فرمود هو الرجل یسمع الحدیث فیحدث به کما سمعه لایزید فیه و لا ینقص منه - رجل واقعی کسی است که اگر حدیثی را شنید بدون کم و کاست همانرا نقل کند .

در زمان مامون عباسی که تمدن عرب بحد اعتلای خود رسیده بود آنقدر بعلم توجه میشد که چون بر امپراطور شرق میشل سوم غلبه کرد یکی از شرائط صلح را چنین نوشت که پادشاه باید یک نسخه از تمام کتب یونانی را بایشان بسپارد . بهمین دلیل بود که در سال ۸۱۳ م اولین ترجمه عربی اصول اقلیدس و در سال ۸۲۷ م اولین ترجمه مجسطی بعبری منتشر

علماء قائل شده بحدی است که در حدیث نبوی از دانشمندان بدرخت بهشت که واجد هر نوع میوه‌ای است تعبیر گردیده - زمانی که ملاقات نمودید درختی از درختان بهشت را به‌نشینید پای آن درخت و از میوه آن بهره‌مند شوید گفتند یا رسول‌الله چگونه ممکن است در این جهان درخت بهشتی را دید فرمود هر گاه دانشمندی را ملاقات کردید چنان است که درخت بهشتی را دیده‌اید از پیشگاه آن دانشمند بهره‌مند شوید .

هان مخسب ای جبری بی‌اعتبار
جز بزیر آن درخت میوه دار
تا که شاخ افشان کند هر لحظه باد
بر سرت دائم بریزد نقل و زاد
بقیه دارد

در حمام وارد خزینه لبریز از آب بود تا حکیم در آب فرو شد احساس سبکی کرد و مقداری آب هم از لب خزانه ریخت در همان لحظه بان مشکل علمی راه پیدا کرد - از فرط شادی که توانسته مشکلی را حل کند از حمام خارج شده در کوچه و بازار شهر میدوید و فریاد میکرد (اوریتقا) یعنی پیدا کردم - خواجه نصیرالدین طوسی گوید

لذات دنیوی همه هیچ است نزد من
در خاطر از تغیر آن هیچ ترس نیست
روز تنعم و شب عیش طرب مرا
غیر از شب مطالعه و روز درس نیست
ارزشی را که اسلام برای دانشمندان و

۱- تاریخ علوم ترجمه حس صفاری .



مابقی از صفحه ۱۰

مزایای موروثی ظاهر نشده بالمآل محو و نابود شوند ، قوم مغول آن شجاعت و تهور زمان جنگیز را دیگر ندارند چرا ؟ برای آنکه در اثر تأثیر تربیت‌های نوع دیگر آن استعداد دوره جنگیزی را از دست دادند . یا ملت ژاپون که در چند قرن قبل صفات و مزایای امروز را نداشتند این ترقی و پیشرفت فعلی آنها در اثر تعلیم و تربیت پیدا شد .

نتیجه آنکه وراثت و محیط و سرشت در مقابل تربیت البته مانع مهمی میباشند لیکن وجود و لزوم تربیت را لغو نمیکند زیرا استعداد طبیعی وارثی با تربیت بهتر ظاهر میشود و صفات منفی بواسطه تأثیر تربیت یا زائل شده یا آنکه تخفیف مییابد - بعلاوه تربیت قبلی موجب پیدایش استعداد های مثبت ارثی در نسل های بعد میشود فرمایش علی‌علیه‌السلام موبد این عقیده است که میفرماید اولاد خود را مجبور نکنید بر عادات خود زیرا آنها مخلوقی هستند در غیر زمان شما

متخیله و قدرت استدلال و اراده و عواطف تأثیر نمیکند (فرضاً شدت و ضعف آنها بر اثر وراثت باشد) همانطوریکه تربیت بدنی برای طفل کم‌بینه و قوی‌بینه هردو موثر است . تربیت معنوی نیز در اشخاص قوی و ضعیف از حیث قوای معنوی تأثیر دارد . آیا یک‌بچه که استعداد نبوغ دارد میتواند از تربیت بی‌نیاز باشد . همانطوریکه بچه جسماً عاجز و بیچاره است و در عهد طفولیت از پرستار ناگزیر است . از پرورش یافتن قوای معنوی نیز ناگزیر است . تربیت قسمت‌های منفی را تخفیف میدهد و مزایای مثبت را تقویت میکند - گاهی تربیت آثار عجیبی از خود ظاهر مینماید ، بشهادت تاریخ بسیاری از اقوام ضعیف و غیرمتمدن وحشی و جاهل بواسطه تربیت ملی خود در مهد علوم و معارف و صنایع قرار گرفتند . اگر تربیت نباشد بسا ممکن است مواهب طبیعی و